



راهکارهای کوتاه‌مدت مهار تورم در شرایط جنگی

### نسخه‌ای برای پیچیدن نسخه تورم

جنگ ضمن آنکه قیمت‌ها را از مسیر واقعی هزینه‌ها بالا می‌برد، از مسیر روانی و انتظارات نیز به آنها شتاب می‌دهد. به بیان ساده‌تر، مردم وقتی احساس کنند فردا گران‌تر از امروز است، امروز زودتر خرید می‌کنند؛ فروشنده‌ها وقتی احساس کنند فردا هزینه جایگزینی کالا بالاتر می‌رود، امروز نرخ را بالاتر می‌گذارند؛ و در این میان، تورم از یک متغیر اقتصادی به یک رفتار جمعی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، به گفته عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، مهم‌ترین مطالبه مردم کنترل تورم و ثبات اقتصادی است، از این‌رو دولت باید با طراحی یک بسته جامع (شامل کنترل نرخ ارز، مدیریت کسری بودجه و تقویت نظارت بر بازار)، مهار تورم را در اولویت فوری قرار دهد.

□ □ □

تورم در شرایط عادی هم پدیده‌ای پیچیده و چندعاملی است، اما در اقتصاد نامتعادل، این پیچیدگی دوچندان می‌شود. چون دیگر فقط با کسری بودجه، رشد نقدینگی یا ضعف تولید مواجه نیستیم؛ بلکه با اختلال در تولید، کاهش واردات، محدودیت‌های ارزی، افزایش ناطلمیناسی، کاهش سرمایه‌گذاری و حتی تغییر الگوی مصرف خانوارها روبه‌رو هستیم. در چنین وضعیتی، نخستین خط دفاعی دولت، مدیریت انتظارات است. اگر افکار عمومی و فعالان اقتصادی باور کنند که دولت برنامه روشن، منابع کافی و اراده لازم برای مهار بحران را دارد، بخش مهمی از فشارهای تورمی فروکش می‌کند. اما اگر پیام‌های متناقض، تصمیم‌های ناگهانی و سیاست‌های مقطعی بر فضای اقتصاد حاکم شود، بازارها به سرعت واکنش نشان می‌دهند و قیمت‌ها پیش از آنکه کالا جای‌جا شود، در ذهن‌ها و تابلوها افزایش می‌یابند.

■ **تأمین هزینه‌ها با چپ پول و سوسوسه‌نگیز است**

محسن مقدم، کارشناس اقتصادی و اسناد‌دانشگاه، یکی از خطرناک‌ترین دام‌ها در شرایط جنگ را سوسوسه تأمین هزینه‌ها از طریق پول پر قدرت و استقرار فضای ضابطه از بانک مرکزی می‌داند و در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: جنگ هزینه دارد، از امنیت و لیجستیک گرفته تا حمایت از زیرساخت‌ها، جریان خسارت‌ها، یارانه کالاهای اساسی و پشتیبانی اجتماعی. اما اگر این هزینه‌ها از مسیر خلق پول بی‌پشتوانه تأمین شود، اتشی که قرار است با آن جنگ را مدیریت کرد، به جان سفره مردم می‌افتد. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که در دوران بحران‌های امنیتی، آنچه از هم سرع‌تر فرو می‌ریزد، نه فقط ارز برای پول ملی، بلکه اعتماد به سیاست‌گذار است. وی می‌گوید: در این شرایط، دولت از یک سو باید از مردم و تولید حمایت کند و از سوی دیگر نباید اجازه دهد حجم پول با سرعتی بیشتر از ظرفیت اقتصاد افزایش یابد.

■ **دولت به نگرانی‌های بیشتی پاسخ شفاف دهد**

محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، نیز با تأکید بر اینکه مهم‌ترین مطالبه مردم در شرایط جنگی و پس از آن، کنترل تورم و ثبات اقتصادی است، می‌گوید: در صورت تداوم وضعیت فعلی و رها شدن بازار، حتی بسته‌های حمایتی مانند کالاگرب و تسهیلات نیز کارایی خود را از دست می‌دهند؛ از این‌رو دولت باید با طراحی یک بسته جامع (شامل کنترل نرخ ارز، مدیریت کسری بودجه و تقویت نظارت بر بازار)، مهار تورم را در اولویت فوری قرار دهد.

وی در پاسخ به اینکه یکی از نگرانی‌های مردم از شرایط جنگی و بعد از پایان جنگ، مباحث اعتباری و معیشتی و افزایش تورم است و دولت چه راهکارهایی می‌تواند برای این بخش از نگرانی‌های مردم داشته باشد، می‌افزاید: جلسات متعددی را با دولت داشتیم. در وزارت صمت جلسه‌ای با حضور رئیس‌جمهور و کمیسیون حمایت از تولید برگزار شد. آنچه با آقای رئیس‌جمهور عرض کردم که مهم‌ترین نگرانی ما هم‌اکنون و به‌ویژه پس از جنگ، بحث تورم است و مهم‌ترین هدف‌های که دولت می‌تواند به سرعت برده‌د (بابت این روزها از باب مقناوم، ایستادگی و همراهی آنان با دولت)، همین مهار تورم و حتی کاهش تورم پس از جنگ است.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه تأکید می‌کند: در آن جلسه هم گفته شد تورم عاملی دارد؛ دلایل تورم شامل بحث قیمت ارز، نحوه تأمین کسری بودجه احتمالی دولت، وضعیت بانک‌ها و همچنین نظارت بر بازار است، چراکه نمی‌شود در زمان جنگ و در شرایط خاص، بیاییم مثلاً فرمول بازار و اصلاح دست‌نمرتی قیمت را مطرح کنیم. وی می‌گوید: در همه کشورها، اجازه درآمدهای زمانی به جنگ اوکراین اتفاق افتاد، ارزش پول آنها به شدت کاهش پیدا کرد و تورم بسیار بالای ایجاد شد، اما در آنجا بانک مرکزی و وزارت اقتصاد درآیایی با یک بسته مشخص توانستند هم ارزش پول ملی شان را برگردانند و حتی ارزش آن را بیش از قبل از جنگ کرده و تورم را کنترل کنند. زنگنه با اشاره به اینکه امروز اتفاقی که در حال افتادن است و مردم هم بسیار نگران هستند، رها شدن بازار است، می‌گوید: در همین دو ماه و نیمی که گذشته است در برخی کالاهای متأسفانه تورم‌های بسیار بالایی داشتیم. پیشنهادی که ما به دولت دادیم این بود که باید بحث بسته را طراحی کرده و پای آن بایستند. معتقدم مهار تورم مقدم‌تر بر سایر اقدامات است؛ زیرا هر چه کالاگرب را افزایش دهند، تسهیلات بدهند یا هر اقدام دیگری انجام دهند، وقتی تورم لجام‌گسخته وجود دارد، عملاً آن‌ها از بین می‌رود.

وی می‌افزاید: در مورد شرکت‌های تولیدی هم پیشنهاداتی را به دولت دادیم و در مورد دادن مشوق‌ها صحبت کردیم، مثلاً حق بیمه که حدود ۲۳ درصد آن بر عهده کارفرماست، در همین شرایط خودش یک هزینه سنگین برای تولیدکننده است. در این شرایط، دولت می‌تواند این را به تعویق بیندازد تا کارفرما بتواند مثلاً این مبلغ را در دو یا سه ماه آینده به صورت تقسیط پرداخت کند. از طرف دیگر، خدمات درمانی و دفترچه تأمین اجتماعی کارگران نباید متوقف شود تا نگرانی برای کارگران ایجاد نشود.

■ **مسئولان به جای پیش‌بینی، شرایط را سامان دهند**

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه با انتقاد از برخی مسئولان دولتی که مرتب درباره نرخ تورم آینده پیش‌بینی می‌کنند، می‌گوید: وظیفه مسئولان اجرایی پیش‌بینی نیست، بلکه باید شرایط را بهبود بخشند و تورم را مهار کنند، نه اینکه مدام مصاحبه کنند و ارقام بالا را مطرح کنند. جالب است یک مسابقه هم بین خودشان گذاشتند؛ به طور مثال یک مسئول می‌گوید ۸۰ درصد تورم داریم، یکی هم می‌گوید ۱۰۰ درصد و دیگری بیان می‌کند ۱۵۰ درصد تورم خواهیم داشت. واقعاً وظیفه دولت است که بر این موضوع نظارت کند؛ چرا کسی که جایگاه قانونی دارد باید مدام مصاحبه کند و تورم بالا را نشان دهد؟ در صورتی که وظیفه ما به عنوان مسئول کنترل تورم است.

وی تأکید می‌کند: بزرگ‌ترین تهدیه‌ای که دولت و مجلس می‌توانند به مردم بدهند، مهار تورم است. مابقی موارد را فعالان اقتصادی و مردم خود تدبیر می‌کنند، اما اگر تورم رها شود، نه واحد تولیدی و صنعتی می‌تواند برنامه‌ریزی کند و نه مردم می‌توانند برای زندگی خود برنامه داشته باشند.



گزارش یک سعیده زمانی

یکی از آثار اقتصادی دو جنگ تحمیلی اخیر، تخریب ذهنی عاملان اقتصادی و تشدید عدم قطعیت‌ها در اقتصاد است که منجر به ایجاد وقفه در تصمیمات سرمایه‌گذاری، تأخیر در انعقاد قراردادهای میان‌مدت و بلندمدت و ابهام در خصوص مسیر متغیرهای کلان اقتصادی (از جمله نرخ تورم و نرخ ارز) برای تجار، بازرگانان و تولیدکنندگان می‌شود و این واسطه باید با چنین فضایی شکسته شود. میثم لطیفی، پژوهشگر اقتصادی و معاون رئیس‌جمهور پیشین، با برشمردن سه اولویت مهم در فضای کنونی اقتصاد کشور به «جوان» می‌گوید: مهم‌ترین مسئله این است که فضای اقتصادی کشور را شرایط پساجنگ ندانیم؛ چراکه در نظر گرفتن این مسئله به سیاست‌گذار آماجگی بیش‌تری برای هدایت اقتصاد ایران و لزوم اصلاح سریع‌تر ساختارهای غلط را می‌دهد. او در ادامه کاهش تصدی دولت و استفاده از ظرفیت جوانان را از دیگر الزامات مهم اقتصاد کشور در فضای فعلی عنوان می‌کند.

□ □ □

در دوره سکوت نظامی، مهم‌ترین عرصه پیش روی کشور میدان اقتصادی است و در کنار آن، انسجام و حضور مردم به‌عنوان اصلی‌ترین عامل بازارنده، معادلات منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر داده است. کارشناسان تأکید دارند که مهم‌ترین وظیفه سیاست‌گذاران اقتصادی در حال حاضر آن است که مبتنی بر اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات لازم در فضای پساجنگ، تلاش بر اصلاح و بازگشت متغیرهای کلان اقتصادی به مسیر بلندمدت خود داشته باشند. از الزامات این مهم، کنترل تورم و بازگشت به مسیر رشد در کنار توضیح تصمیمات به افکار عمومی است. در این ارتباط، میثم لطیفی به «جوان» می‌گوید: در این ارتباط، مهم‌ترین وظیفه سیاست‌مداران در حالی است که اساساً عبارت پساجنگ است. این در حالی است که اساساً نباید خود را در شرایط پساجنگ بدانیم. تا زمانی که تهدیدات رژیم امریکا و رژیم صهیونیستی و خوی استکباری آنها وجود دارد، صحبت از پساجنگ صحبت دقیقی نیست. حق حدود ۷۰ سال گذشته از زمان کودتای ۲۸ مرداد در دوره دکتر مصدق تا هم اکنون، اروپا و امریکا دست از تخصص دشمنی علیه ایران برنداشته‌اند و روی کار آمدن شاه معیف و سرسپرده مثل محمدرضا پهلوی و کنار زدن

اراده ملی مردم در زمان مرحوم مصدق، نمونه‌ای از دشمنی‌های استکبار علیه ملت ایران بوده است. ■ **تصور «پساجنگ» خطای راهبردی است**
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) با اشاره به جنگ تحمیلی ۸ ساله و سپس جنگ تحمیلی دوم و سوم و همچنین تحریم‌های اقتصادی و ترور دانشمندان و… می‌گوید: تمامی این موارد سابقه دشمنی رژیم امریکا و اسرائیل علیه ایران را نشان می‌دهد و مهم‌ترین اولویت اقتصاد ایران در شرایط کنونی این است که نسبت به دشمنی‌ها آگاه باشیم. اگر در سیاست‌گذاری‌ها این رویکرد آگاهی نسبت به دشمنی‌ها را نداشته باشیم، دشمن از همانجا ضربه می‌زند.

این پژوهشگر اقتصاد ایران در ادامه می‌گوید: نخست‌وزیر کوچک اسرائیل گفته جنگ با ایران، جنگ وجودی تا تعیین تکلیف نهایی است، بنابراین مهم‌ترین الزام اقتصاد ایران در شرایط کنونی این



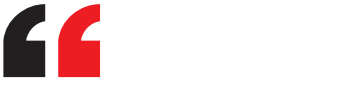
سرویس اقتصادی ۶۰۸۸۵۲۲

اصلاح نظام حکمرانی اقتصادی از الزامات زدن نهایی به دشمن است

# «پساجنگ» برای شرایط اقتصادی معنا ندارد

میثم لطیفی، معاون رئیس‌جمهور پیشین، در گفت‌وگو با «جوان»:

تا زمانی که تهدیدات رژیم امریکا و رژیم صهیونیستی و خوی استکباری آنها وجود دارد، صحبت از پساجنگ صحبت دقیقی نیست



میثم لطیفی: ظرفیت فراوانی از افراد معتقد انقلابی جوان در حال حاضر در کشور داریم که اگر به این افراد مثل ابتدای انقلاب میدان داده شود، می‌توانند در عرصه‌های گوناگون کشور را حتی از گذشتگان نیز بهتر اداره کنند

افزایش می‌یابد. صاحب‌نظران اقتصادی بر این باورند که موتور اصلی رشد اقتصادی دولت نیست؛ بلکه بنگاه‌های اقتصادی با موانع کمتری در اجرای امور مواجه باشند. مبتنی بر شفافیت، رقابت و امنیت شکل بگیرد. واقعیت آن است که ما در میانه یک وضعیت پیچیده قرار داریم؛ جنگ به پایان نرسیده، بلکه شکل آن تغییر کرده و از حالت سخت‌افزاری به عرصه‌های نرم‌افزاری و اقتصادی منتقل شده است. در این وضعیت، یک مؤلفه بنیادین وجود دارد و آن همراهی با مردم و مشارکت فعال بخش خصوصی و کسب‌وکارهاست. این بخش‌ها پایه نامرئی اقتصاد کشور هستند و بدون جلب اعتماد و همراهی آنها، هیچ سیاستی به نتیجه نخواهد رسید. یکی از مهم‌ترین الزامات مدیریت اقتصادی در وضعیت جنگی، افزایش پیش‌بینی‌پذیری برای فعالان اقتصادی است و انتظارات می‌رود سیاست‌ها به سمت و سوی افزایش شفافیت و همراهی بیشتر با بخش خصوصی و رفع موانع از مسیر تولید و کسب‌وکارها پیش رود. مهم‌ترین مسئله در شرایط کنونی حفظ وضعیت تولید و صادرات است که دولت با مدیریت نرخ تورم و همچنین رفع موانع از مسیر تولید می‌تواند آن را محقق کند.

مجموعاً، آنچه از اهمیت زیادی برخوردار است این است که دشمن در زمان ناکامی در تحقق اهداف نظامی و سیاسی، بیش از پیش از سیاست‌های غلط اقتصادی تغذیه و بهره‌برداری می‌کند. وقتی فضای کسب‌وکار اصلاح شود و اقتصاد بر پایه قواعد شفاف و رقابتی بنا شود، ابزارهای دشمن متخاصم کارایی خود را از دست می‌دهند.



نیست، می‌افزاید: کاهش هزینه دولت یعنی اصلاح فرآیند بروکراتیک به نحوی که ناجران و فعالان اقتصادی با موانع کمتری در اجرای امور مواجه باشند. ■ **ظرفیت جوانان، موتور محرکه اداره کشور**

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) سومین وظیفه سیاست‌گذاران اقتصادی در شرایط کنونی را توجه به شایسته‌سالاری با تأکید بر جوان‌گرایی عنوان کرد و افزود: در دوره زمامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این مسئله از اهمیت زیادی برخوردار است. در حال حاضر ظرفیت فراوانی از افراد معتقد انقلابی جوان در کشور داریم که اگر به این افراد مثل ابتدای انقلاب میدان داده شود، می‌توانند در عرصه‌های گوناگون کشور را حتی از گذشتگان نیز بهتر اداره کنند.

■ **اصلاح حکمرانی اولویت بازسازی اقتصادی**
کارشناسان اصلاح‌نظام حکمرانی اقتصادی را مهم‌ترین اولویت بازسازی در فضای کنونی عنوان می‌کنند. با انجام این مهم، رشد اقتصادی محقق و رفاه عمومی

است که باید آماجگی داشته باشیم و سیاست‌ها را مبتنی بر همین رویکرد اتخاذ کنیم.

■ **دولت از «تصدی‌گری» به سمت «نظارت» تغییر نقش دهد**

معاون رئیس‌جمهور دولت سیزدهم در بخش دیگری از اظهارات خود، دومین‌الزام مهم برای اقتصاد ایران در شرایط کنونی را افزایش نقش مردم و کاهش تصدی‌گری دولت عنوان کرده و می‌گوید: آنچه انقلاب را بیمه کرد و استعمار انقلاب را بیمه می‌کند، مردم هستند. در اقتصاد باید به سمت کاهش تصدی‌بی‌جای دولت و افزایش نقش مردم و بخش خصوصی برویم. این افزایش نقش‌ها در همه زمینه‌ها از اقتصاد تا تجارت، تولید و تأمین سرمایه باید باشد. بنابراین ضروری است تا ظرفیت‌های فعال و موانع در این زمینه برطرف شود.

در واقع به گفته این پژوهشگر اقتصاد ایران، دولت باید نقش نظارتی خود را تقویت کند. لطیفی با بیان اینکه کاهش هزینه دولت لزوماً به معنای کوچک کردن آن

## نسخه‌های پشت‌میزی برای دیم‌زارها!

تسهیلات ارزان‌قیمت، آموزش میدانی و شبکه خدمات فنی را توسعه دهد. در غیر این صورت، ممنوعیت صرف، بیشتر به فشار مضاعف بر تولیدکننده شباهت خواهد داشت.

بدهی‌ی است تغییر الگوی کشت و شیوه خاک‌ورزی، فرآیندی تدریجی و مبتنی بر اعتمادسازی است و کشاورزان ایرانی بارها با تصمیماتی مواجه شده که بدون مشارکت او تدوین شده‌اند. در نهایت با نیمه‌کاره مانده‌اند یا هزینه آن بر دوش تولیدکننده افتاده است. اکنون نیز این نگرانی وجود دارد که سیاست جدید، پیش از آنکه یک برنامه علمی و اجرایی باشد، به یک دستور اداری دیگر تبدیل شود.

به هر روی، حفظ خاک و مقابله با فرسایش، ضرورتی انکارناپذیر برای آینده کشاورزی ایران است؛ اما تحقق این هدف با نگاه دستوری و نسخه‌نویسی از پشت میزهای تهران ممکن نخواهد شد. سیاست‌گذار باید پیش از ممنوع کردن ابزار کشاورزی، راه جایگزین را برای او قابل دسترس و اقتصادی کند. در غیر این صورت، فاصله میان تصمیمات اداری و واقعیت مزرعه، همچنان بزرگ‌تر خواهد شد.

سوی دیگر، کشاورز زمانی حاضر به تغییر روش سنتی خود می‌شود که اطمینان پیدا کند درآمدش کاهش نخواهد یافت. طبعاً هر زمان سیاستی بدون افتناع و حمایت اقتصادی اجرا شده، نتیجه آن مقاومت کشاورزان یا شکست عملی طرح بوده است.

از سوی دیگر، ممنوعیت ناگهانی تولید و عرضه گاواهن برگرداندار نیز تصمیمی بحث‌برانگیز محسوب می‌شود. سال‌هاست همین ادوات با مجوز رسمی تولید و استفاده شده‌اند و اکنون هزاران کشاورز تولیدکننده به آن وابسته‌اند. طبیعی است که حذف یکباره این تجهیزات، بدون برنامه جایگزین و دوره گذار مشخص، می‌تواند هزینه‌های تازه‌ای به بخش کشاورزی تحمیل کند. نکته مهم‌تر آنکه کشاورزی ایران اسلامی بیش از هر چیز از کمبود حمایت عملی رنج می‌برد و کمبود بخششانه از قضا حسن ماجراست. بنابراین کشاورز زمانی به سمت روش‌های نوین حرکت می‌کند که دولت بخشی از هزینه‌های راه‌پیدا، خرید کشاورزی حفاظتی و فرسایش خاک و آینده‌دیمزارهاست، باید یارانه خرید ادوات حفاظتی،

اداری پایتخت پیش نمی‌رود. فاصله میان اتاق‌های تصمیم‌گیری و واقعیت دیم‌زارهای کشور، همچنان از مهم‌ترین مشکلات مدیریت کشاورزی ایران کهن و بزرگ ماست. تصمیم‌گیری‌ها که از تهران درباره شیوه شخم در دیم‌زارهای کردستان، کرمانشاه، آذربایجان‌ها و خراسان‌ها و دیگر جاها حکم صادر می‌کنند، کمتر به این پرسش پاسخ می‌دهند که کشاورز یا چه امکاناتی باید این تجهیزات را اجرا کند. کشاورزی حفاظتی، صرفاً حذف گاواهن برگرداندار نیست. این الگو نیازمند ماشین‌آلات جدید، آموزش تخصصی، حمایت مالی، دسترسی به ادوات مدرن و نظام ترویج فعال است. بسیاری از کشاورزان دیم‌کار کشور، حتی برای تأمین هزینه‌های جاری کشت با مشکل مواجه هستند. در چنین شرایطی، ممنوع کردن یک ابزار سنتی بدون فراهم کردن جایگزین عملی، بیشتر شبیه صدور دستور اداری برای اجرا نشدن است. واقعیت این است که بخش بزرگی از دیم‌کاران کشاورمان هنوز به فناوری‌های نوین دسترسی ندارند. ادوات کشاورزی حفاظتی و بالایی دارند و در بسیاری از مناطق نیز به‌راحتی قابل تهیه نیستند. از

گزارش یک سعیده زمانی

## خیز وزارت کار برای کاهش سهم بیمه کارفرما

مالياتی در بلندمدت منجر شود. ■ **آغاز مرحله مشورت با کارشناسان و تشکل‌ها**
همزمان با انتشار جزئیات این طرح، فرآیند اخذ نظر از کارشناسان، تشکل‌های کارگری، کانون‌های بازتنسستگی و فعالان اقتصادی آغاز شده است. دولت تأکید دارد که پیش‌نویس فعلی هنوز به مرحله تصویب نهایی نرسیده و در حال بررسی کار گروه‌های تخصصی قرار دارد. بر همین اساس، از پژوهشگران، صاحب‌نظران و شرکای اجتماعی خواسته شده پیشنهادها و نقدهای خود را درباره ابفاد مختلف این لایحه ارائه کنند.

این رویکرد نشان می‌دهد دولت تلاش دارد پیش از ورود رسمی لایحه به مراحل تصمص‌گیری، ارزیابی دقیق‌تری از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن انجام دهد؛ زیرا تغییر در ساختار تأمین منابع عمومی و امنیت معیشتی میلیون‌ها بیمه‌شده و بازتنسته اثر خواهد گذاشت.

از تولید و حفظ پایداری صندوق‌های بیمه‌ای است، اگرچه کاهش هزینه‌های بیمه می‌تواند به تحرک بازار کار کمک کند، اما موفقیت این سیاست به نحوه تأمین منابع جایگزین و توان دولت در اجرای تعهدات مالی وابسته خواهد بود. به همین دلیل انتظار می‌رود بررسی این لایحه به یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصادی تبدیل شود که موافقان و مخالفان آن، هر دو بر ضرورت بررسی دقیق و کارشناسی تأکید دارند.

مهم‌ترین پرسش درباره نحوه تأمین منابع مالی آن است. صندوق‌های بازتنسستگی و سازمان تأمین اجتماعی طی سال‌های اخیر، با کاهش نسبت پشتیبانی، افزایش تعداد مستمری‌بگیران و رشد هزینه‌های درمانی روبه‌رو بوده‌اند. در چنین شرایطی، کاهش سهم پرداختی کارفرمایان بدون تعریف منابع پایدار جدید، می‌تواند فشار بیشتری بر تراز مالی این صندوق‌ها وارد کند.

بخشی کارشناسان اقتصادی معتقدند انتقال بخشی از هزینه‌های بیمه به منابع مالیاتی، در صورتی موفق خواهد بود که دولت بتواند درآمدهای پایدار و غیرتورمی ایجاد کند. در غیر این صورت، احتمال افزایش بدهی دولت به صندوق‌های بیمه‌ای یا کاهش کیفیت خدمات درمانی و بازتنسستگی وجود خواهد داشت. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است که بخشی از تعهدات مالی دولت به صندوق‌های بازتنسستگی با تأخیر یا به صورت ناقص پرداخت شده و همین موضوع نگرانی‌ها درباره اثر عملی این طرح را افزایش داده است. در مقابل، حامیان این پیش‌نویس بر این باورند که ساختار فعلی حق بیمه متناسب با وضعیت بازار کار و شرایط اقتصادی کشور نیست. به اعتقاد آنان، بالا بودن هزینه استخدام رسمی موجب شده است بخشی از کارفرمایان از بیمه کردن نیروی کار خودداری کنند یا به سمت قراردادهای موقت و غیرشفاف حرکت کنند. از نگاه این گروه، کاهش سهم کارفرما می‌تواند به افزایش اشتغال رسمی، شفافیت اقتصادی و حتی رشد درآمدهای



اکنون دولت امیدوار است با کاهش این هزینه، انگیزه استخدام نیروی کار در واحدهای صنعتی و خدماتی افزایش پیدا کند. در بخش دیگری از این پیش‌نویس، گسترش پوشش بیمه‌ای برای شاغلان غیررسمی مورد توجه قرار گرفته است. برآوردها نشان می‌دهد بخشی از فعالان اقتصادی کشور در بخش‌هایی مانند مشاغل غیررسمی، کارگران ساختمانی و قالیبافان، پوشش بیمه‌ای پایدار ندارند و طراحان این لایحه معتقدند کاهش هزینه‌های بیمه و تغییر ساختار تأمین منابع می‌تواند زمینه ورود این گروه‌ها به نظام بیمه‌ای کشور را فراهم کند.

■ **جالش منابع مالی و نگرانی صندوق‌ها**

با وجود مزایایی که برای این طرح مطرح می‌شود، بیمه‌شدگان و کارفرمایان به ۱۴ درصد برسند. مطابق این طرح، ۱۶ درصد باقی‌مانده از طریق درآمدهای مالیاتی و منابع عمومی تأمین خواهد شد. در عمل، این الگو بخشی از بار مالی بیمه را از دوش بنگاه‌های اقتصادی برداشته و به بودجه عمومی منتقل می‌کند.

در شرایطی که بسیاری از واحدهای تولیدی با افزایش هزینه‌های سربار، رکود تقاضا و محدودیت نقدینگی مواجه هستند، کاهش سهم بیمه کارفرما می‌تواند به عنوان یک مشوق برای جذب نیروی انسانی تلقی شود. فعالان اقتصادی معتقدند سهم بالای حق بیمه، هزینه رسمی‌سازی اشتغال را افزایش داده و بخشی از بازار کار به سمت قراردادهای غیررسمی سوق داده است.